رفقای حزبی، نیروهای مترقی! پنجاهمین سالگرد حزب کمونیست ایران را برپا داریم! از قهرمانیهای مجاهدان کمونیست سرمشق گیریم

ماهنامهٔ
مردم
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

یادبود پنجاهمین حزب کمونیست ایران

بمناسبت پنجاهمین سال تأسیس حزب کمونیست ایران (تیرماه ۱۲۹۹) در عده‌ای از واحد های حزبی در خارج از کشور جلسات یادبود باحضور رفقای حزبی و میهمانان خارجی تشکیل شد و در این جلسات سخنرانی هائی در اطراف تاریخ حزب کمونیست و زندگی قهرمانان و مجاهدان این حزب بعمل آمد. در یکی از این جلسات رفیق عبدالصمد کامبخش عضو هیئت دبیران کمیته مرکزی حزب توده ایران سخنرانی مشروحی در اطراف تاریخ مبارزات حزب کمونیست ایران ایراد کرد. متن این سخنرانی در مجله دنیا شماره دوم سال یازدهم دنیا انتشار خواهد یافت.

حیدر عمو اغلی از بنیادگزاران پرچمدار حزب کمونیست ایران

دکتر تقی ارانی از رهبران پرچمدار حزب کمونیست ایران

حزب توده ایران وارث معنوی حزب کمونیست ایرانست

می‌ام خرداد ۱۳۴۹ پنجاه سال از تأسیس حزب کمونیست ایران می گذرد و حزب توده ایران که خود را بحق وارث این حزب میداند، مراسم این سالگردمهم را برپای میدارد. تاریخ سازمان انقلابی طبقه کارگر در واقع از حد این پنجاه سال نیز تجاوز می کند. نخستین «مرامکز قیبی» سوسیال دموکراسی انقلابی در کشور ما در اوان جنبش مشروطیت تأسیس شد. ما بین سه دوران عمده تاریخ حزب طبقه کارگر در ایران یعنی دوران سوسیال دموکراسی انقلابی، دوران حزب کمونیست ایران، دوران حزب تودهٔ ایران) از هر جهت پیوند وجوددارد. بزرگترین مجاهد دوران سوسیال دموکراسی، حیدرخان عمو اغلو (افتار) بنیادگزار حزب کمونیست ایران است. هم رزماند کتر تقی ارانی، آخرین شخصیت برجسته حزب کمونیست ایران، بنیادگزاران حزب تودهٔ ایرانند. این پیوند تنها ناشی از این کیفیت نیست که افراد واحدی در دورانهای سه گانه نقش داشته اند، بلکه همچنین و بویژه ناشی از این کیفیت است که مشی انقلابی واحدی در این سه دوران دنبال شده است که مشخصات اساسی آن مشی، یکی است.

یکی از مشخصات عمدهٔ این مشی مبارزه سر سخت با استعمار و امپریالیسم است. یکی دیگر از مشخصات عمدهٔ آن مشی همگونی که از طرف سوسیال دموکراتها، کمونیستها و تودهایها دنبال شده است، مبارزه بسود توده های زحمتکش، کارگران، دهقانان، پیشه‌وران و روشنفکران زحمتکش، علیه هیئت حاکمه ارتجاعی، دربار سلطنتی، ملاکان و سرمایه داران کومپرادور است.

خصوصیت دیگر این مشی حفظ پیوند دوستی با خلقها و جنبش های انقلابی جهان وپشتیبانی از آنها و برخورداری از پشتیبانی آنها، یا بدیگر سخن مراعات همبستگی انقلابی و شیوه انترناسیونالیستی است. در این زمینه بویژه باید از پیوند سوسیال دموکراتهای ایرانی با سوسیال دموکراتهای انقلابی روس و کمونیستها و توده ایهای ایرانی

دنباله در صفحه ۸

بحرین و سیاست دولت ایران

گزارش نماینده مخصوص اوقات دبیر کل سازمان ملل متحد، در باره بحرین به تصویب شورای امنیت و مجلسین ایران رسید و بدین ترتیب یك معضل ۱۵۰ ساله، با قبول استقلال بحرین حل شد.

دو ماههای اخیر در باره تصمیم دولت ایران در باره بحرین مسائل فراوان در مطبوعات ایران انتشار یافته است. روزنامه های هوادار رژیم و در رأس آنها اطلاعات، سیاست ایران را در مورد بحرین، یکی از مظاهر، سیاست «داهیانه» شاه بحساب آورده اند. در مجلسین ایران، آنرا نشانه بارز علاقهٔ دولت و شخص شاه، به رعایت حقوق خلقها و احترام به دموکراسی جلوه داده اند. بدیهی است که کسانی هم بمخالفت برخاسته اند. ولی مخالفت محدود یا سرعت به خاموشی گرائیده است.

اکنون به پیشنهاد واقعی تصمیم دولت ایران چنین، و حزب توده ایران این جریان

بقیه در صفحه ۶

مصاحبه رادیو پیك ایران با رفیق رادمنش دبیر اول حزب توده ایران

در بارهٔ برخی مسائل مهم کشور

سئوال - رفیق رضا رادمنش حتماً شما مطالبی را که ارگانهای تبلیغاتی رژیم در این اواخر علیه حزب توده ایران مینویسند مطالعه کرده اید. چه عواملی موجب این تبلیغات وسیع ضد توده ای و ضد کمونیستی در کشور گردیده است؟

پاسخ - تبلیغات پردامنهٔ بلندگویان رژیم درباره انقلاب باصطلاح سفید وسیاست باصطلاح مستقل ملی علیرغم انتظار گردانندگان آن نتوانسته است عده کثیری را فریب دهد. سیاست ضد ملی و ضد دموکراتیك رژیم، اقتصاد و سیاست میهن ما را با مشکلات گوناگونی روبرو ساخته است. زمامداران ایران با تسلیم به سیاست و اقتصاد نو استعماری امپریالیسم جهانی، با تعقیب راه رشد سرمایه داری در پیوند کامل با سرمایه های امپریالیستی، با میلیتاریزاسیون همه جانبه رژیم و تشدید فشار و ترور علیه نیروهای ملی و دموکراتیك، خشم و غضب طبقات و قشرهای وسیع تازه ای از جامعه ما را علیه خود برانگیخته اند. زمامداران ایران سیاست ضد ملی و ضد دموکراتیك خود را زمانی با سرسختی تعقیب و تشدید میکنند که جنبش رهائی بخش ملی در خاور میانه پیش از پیش رونق مییابد. هنگامیکه نفوذ و اعتبار سیستم جهانی سوسیالیستی و در رأس آن اتحاد جماهیر شوروی بمثابه مهمترین پایگاه صلح و دموکراسی و سوسیالیسم و نیرومند ترین مدافع حقوق خلقها، دائماً در افزایش است و موقعیت

دنباله درصفحه ۲

کارزار تازه رژیم علیه نیروهای اپوزیسیون

دستگاه تبلیغاتی رژیم شاه جنجال تازه‌ای بر ضد اپوزیسیون انقلابی ایران و قبل از همه حزب توده ایران براه انداخته است. زمینه این جنجال را هم نامه های سیاوش پارسا نژاد و پرویز نیکخواه، دو نفر از کسانی که زمانی به اپوزیسیون ضد رژیم وابستگی داشته‌اند، فراهم کرده است. با اینکه نه پدیده ضعف و تسلیم در برابر رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیك ایران و نه سوء استفاده این رژیم از این پدیده بر ضد اپوزیسیون انقلابی ایران تازگی ندارد.

با اینهمه باید گفت سرنظر از اوضاع و احوالی که منجر به تب این دو پایه شده سرنظر از عامل فشار روحی و انواع دیگر فشارها که رژیم به زندانیان سیاسی عموماً وارد میسازد، محتوی عینی نامه هائی که بنام پارسانژاد و نیکخواه در جراید ایران نشر یافته، حاکی از تسلیم طلبی و تأییدشیوه های رفرمیستی و نفی روش مبارزه انقلابی است. این یك نمونه مشخص تبدیل شعارهای ماورا انقلابی به شعار های اپورتونیستی است.

تردیدی نیست که ضعف و ارتداد و تسلیم چنانکه تجارب گذشته نشان داده، برای همه گروهها و سازمانهای سیاسی اپوزیسیون، در درجهٔ اول بملت وجود شکنجهٔ حیوانی و سیاست «تازیانه و کلوچه» ساواك و رژیم رخ داده است. در عین حال این نکته نیز

دنباله در صفحه ۶

درباره برخی مسائل مهم کشور

دنباله از صفحه ۱

امپریالیسم جهانی بویژه امپریالیسم امریکا این ژاندارم بین المللی ، در بسیاری از کشورهای این منطقه متزلزل گردیده است و رژیمهای ارتجاعی در جهان عرب یکی پس از دیگری فرو میریزند و نیرو های ملی و دمو کراتیك جانشین آنها میگردند.

هیئت حاکمه ایران و در رأس آن شاه از آنجائیکه در وجود و فعالیت حزب ما علیرغم کلیه مشکلات پیگیری واستواری خود را در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع به ثبوت رسانده است ، باقوه خطری بزرگ علیه خود احساس مینماید، با الهام ازتبلیغات عنان گسیخته ضد کمونیستی امپریالیسم جهانی که در این اواخر شدت و دامنهٔ وسیعی یافته است ، سعی میکند علاوه بر تحقیها و حبسها و شکنجه های حیوانی و اعدامهای گسروهی که از ماهیت رژیم وی سرچشمه میگیرد ، با شکستن مهر سکوت و افزایش تبلیغات ضد توده ای و ضد کمونیستی ، افکار عمومی را از مبارزه و از جلوه صحت ارزیابی‌های حزب ما منحرف سازد. چنانکه می‌بینیم گردانندگان ماشین تبلیغاتی رژیم در این راه به تبعیت از استادان خارجی خود از بکار بردن زشت ـ ترین شیوه های تبلیغاتی علیه حزب ما ابائی ندارند.

سئوال ـ از توضیحاتیکه دادید خیلی متشکریم . از آنجائیکه در این باره لهٔ تیز یورش مطبوعات متوجه شخص شما در بارهٔ باصطلاح ملاقات با تیمور بختیار است ، خواهشمندیم برای شنوندگان ما توضیحاتی در این زمینه بدهید .

پاسخ ـ تاتوانی بلند گویان رژیم در عرصه منطق و استدلال در مبارزه علیه حزب ما آنها را بر آن داشته است به پیروی از گوبلز دروغهای هرچه بزرگتر اختراع کنند و از این طریق به یك مبارزه روانی شدیدی علیه حزب ما دست بزنند و با انتشار اراجیف سراپا دروغ افکار عمومی را از واقعیت زشتی که سیاست ضد ملی وضد دمو کراتیك رژیم بوجود آورده است منحرف سازند .

دیرخانه کمیته مرکزی حزب ما در اطلاعیه های خود اخبار ساخته و پرداخته سازمان امنیت شاه را که روزنامه هائی نظیر اطلاعات ، کیهان ، آیندگان و خوانندها منتشر کرده اند ، بموقع خود تکذیب کرده است . معهذا لازم میدانم یکبار دیگر تأکید کنم که هیچگونه همکاری مابین حزب ما و تیمور بختیار وجود نداشته و نمیتواند داشته باشد . اینجانب نه تنها با بختیار ملاقات نکرده ام بلکه باید عرض کنم که من درتمام عمر خود حتی یکبار هم بختیار را ندیده‌ام، من با نام بختیار برای نخستین بار در موقعی که گروه گروه از افسران میهن پرست اعضاء حزب ما ، بفرمان شاه به میدانهای تیر روانه میشدند و جدا و صد ها نفر از اعضاء و فعالین حزب ما در زیر شکنجه های حیوانی سازمان امنیت بختیار منجه میکشیدند ، با تعریف ها و تمجید های فراوان در صفحات روزنامه همین آقای عباس مسعودی که ا کنون با خشم و غضب فراوان علیه ارباب و همکار سابق خود قلمفرسائی میکند، آشنا شده ام . برخورد حزب ما بمسائل ، به پروسه های اجتماعی و همچنین نسبت به احزاب ، گروهها و شخصیت ها همیشه برخوردی انقلابی ، برخوردی طبقاتی بر پایه مارکسیسم ـ لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری بوده و خواهد بود. بنا بر این درهیچ موردی با عناصر ضدانقلابی و دشمنان طبقاتی راه همکاری و سازش در پیش نخواهد گرفت .

سئوال ـ رفیق رادمنش، در این روزها در اطراف سیاست رژیم در اطراف خلیج فارس و نقش آن در این منطقه سخن بسیار گفته میشود . نظر شما در این مورد چیست؟

پاسخ ـ سیاست رژیم در خلیج فارس جزئی از سیاست عمومی وی در خاور میانه است که در مجموع و بطور عمده از استراتژی امپریالیسم الهام میگیرد و بنا بر این مباین منافع اساسی و واقعی میهن ماست . با تعقیب چنین سیاستی است که ایران بیش از پیش در خاورمیانه منفرد میگردد ، ناچاری که مناسبات سیاسی وبازرگانی آن با کشور های مترقی عربی قطع و یا درحال قطع‌شدن است .

در پروسه قطب بندی اینکه ما بین نیرو های ارتجاعی در خاور میانه و خاور نزدیك صورت میگیرد ، ایران در صف مقدم نیرو ـ های ارتجاعی قرار گرفته است . بمنظور تحکیم چنین صف بندی ارتجاعی است که زمامداران ایران تمام نیروی خود را درجهت تجهیز و تشکل و تأمین وحدت عمل نیروهای ارتجاعی در این منطقه متمرکز نموده اند .

اقدامات اخیر ایران و زد و بند های پنهان و آشکار وی با امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی از یك سو و با عربستان سعودی از سوی دیگر ، از مظاهر آشکار چنین سیاستی است که از ماهیت رژیم ضد ملی و ضد دمو کراتیك ایران ناشی میشود .

علیرغم عوامفریبیهای بلند گویان رژیم، اقدامات مزبور تنها در جهت حفظ منافع امپریالیسم و تقویت نیرو های ارتجاعی در منطقه است که خواه ناخواه به تشدید وخامت اوضاع در این ناحیه که بهیچوجه با منافع واقعی میهن ما سازگار نیست منتهی خواهد گردید . تردیدی نیست که کشور ما بزرگترین و پرجمعیت‌ترین و صاحب‌طولانی ترین سواحل در خلیج فارس است . بنا بر این دارای منافع مهمی در این ناحیه است و باید به نسبت موقعیت خود از کلیه حقوق و مزایا در خلیج برخوردار گردد . اما تأمین حقوق ایران در این ناحیه با همکاری واتحاد با امپریالیسم که دشمن اصلی رشد آزاد و مستقل خلقهاست امکان پذیر نیست .

آقای هویدا در نطق اخیر خود در مجلس گفته اند : «ایران بزرگترین مسئو ـ لیت را در مبارزه با استعمار و حفظ صلح و امنیت این منطقه دارد.» ولی معلوم نیست که آقای هویدا با کدام استعمار در این‌ناحیه میخواهد مبارزه کند . امریکا و انگلستان که با شیوه های استعماری نوین جهانی را غارت میکنند و تنها سود خالص سالیانه آنان از منافع نفتی خلیج فارس به چهار تا پنج میلیارد دلار میرسد ، سازمانهندگان اصلی تحولات و صف بندی هائی هستند که با شرکت شاه و قیصل در خلیج در حال‌تکوین است .

سراسر مصاحبه اخیر شاه با مخبرسیاسی روزنامهٔ «تایمز» از وجود توافق کامل بین انگلستان و ایران در این‌ناحیه حکایت‌میکند درمصاحبه مزبور شاه رسماً اظهار عقیده‌مینماید که «پس از خروج نیروهای بریتانیا از این منطقه وجود و شخصیت بریتانیا حفظ وتحکیم خواهد گردید» حتی شاه تأکید میکند که «هیچگونه اعتراض به استقرار نیرو های بریتانیا در حوالی این منطقه یعنی خلیج‌فارس برای حفاظت جزیره مسیره و فرودگاه سلاله در خاك مسقط ندارد . ژوزف سیکومتاور علیرغم پرزیدنت نیکسون درمسائل خاورمیانه نیز در مصاحبه خود در تهران از « تفاهم دو جانبه و هدفهای مشترك » ما بین ایران و ایالات متحده امریکا در این منطقه سخن میگوید . باین ترتیب معلوم میشود که در قاموس آقای هویدا استعمار معنای دیگری کسب کرده است . البته آقای هویدا با گزارشی که در سال ۱۹۶۹ ـ یعنی خیلی پیش از نطق اخیرشان در مجلس و همچنین قبل از مصاحبه اخیر شاه با مخبر سیاسی روزنامه «تایمز» تحت عنوان «خلیج ـ عواقب خروج انگلستان» ـ از طرف کمیته تحقیق مسائل استراتژیك و بین المللی در واشنگتن انتشار یافته است، بعوقع خود آشنائی‌یافته‌اند در گزارش مزبور از جمله میخوانیم که : «باید پایگاههای نظامی انگلستان در بحرین، مسیره و سلاله حفظ گردد. بجاست که فدراسیون شیخ نشینها یا پیوستن حتی بحرین به فدراسیون تشکیل گردد». همچنین دراین گزارش که از جانب مهمترین متخصصین مسائل استراتژیك توصیه شده‌است، انگلستان باید با فدراسیون شیخ نشینهای عربی «قرار، داد جدید دفاعی منعقد نماید که احتمال پیاده کردن تفنگداران انگلیسی و استفاده از پایگاههای زمینی را در شیخ نشینها شامل باشد».

اینها تنها چند نکته از گزارش‌نامبرده است. گزارش مزبورنامبشامهٔ اصلی توطئه‌ای است که با حك و اصلاحاتی در خلیج فارس اجرا میگردد . آقای هویدا ورهبر و پیشوا ـ یشان از بازیگران عمدهٔ آنند . مسلمانك آقای هویدا مطمئن باشند که توطئه مزبور مانند توطئه های دیگر امپریالیستی در این منطقه محکوم بشکست است .

سئوال ـ حالا اجازه دهید آخرین سئوال هیئت تحریریه را مطرح سازیم . چه پدیده های‌نوینی در رشد فعلی اقتصادی ایران بعقیده شما جلب نظر میکند ؟

پاسخ ـ سیاست اقتصادی رژیم بطور عمده در جهت افزایش نفوذ سرمایه های امپریالیستی و در آمیختن منافع سرمایه های مزبور با منافع سرمایه داران داخلی وتقویت هرچه بیشتر بخش خصوصی نسبت به بخش دولتی سیر میکند . محتوی سیاست مزبور تسریع رشد مناسبات سرمایه داری در شهر ها و روستا هاست . هم اکنون علیرغم لاف و گزاف های بلند گویان رژیم آثار سوء سیاست مزبور در شئون مختلف اقتصاد کشور بچشم میخورد . تورم بر اثر افزایش نامو زون حجم اسکناس ، ترقی هزینه زندگی ، بالا رفتن قیمت دلار نسبت به ریال ، انتشار اوراق قرضه داخلی و اخذ وامهای کوتاه و طویل المدت خارجی با سود های کلان ، عمیق شدن دائم عدم تناسب صادرات و واردات مظاهری چند از وضع ناهنجاریست که در اقتصاد کشور حکفرماست .

بودجهٔ ۱۳۴۹ ۴۰۶ میلیارد ریالی سال کشور که بظاهر متعادل و با سلام وصلوات بتصویب مجلسین شهساخته رسیده است بیشتر پایه در آمد های غیر واقعی تنظیم شده است و بعلاوه از همین بودجه ساختگی هم طبق ارقام بودجه اقلا ۷۰ میلیارد ریال آن از اعتبارات بانکی و اوراق قرضه داخلی و وام های خارجی تأمین خواهد گردید . مهمتر از همه افزایش قریب پنجاه در صد بودجه ارتش و سازمانهای «اصطلاح انتظامی است که میزان کل بودجه مزبور را برقم یك میلیارد دلار یعنی تقریباً معادل تمام عایدات ارزی نفت میرساند و اقتصاد کشور را در سال‌حدید بامشکلات‌غیرقابل حل روبرو خواهدساخت .

از پدیده های جدید در اقتصاد کشور سیاست اقتصادی‌تازه‌ایست که آقای انصاری وزیر جدید اقتصاد اعلام داشته‌اند که دروافع چرخش‌قهرآمیز و فاجعه‌ای در اقتصاد کشور باید تلقی شود . آقای انصاری بجای اتخاذ تدابیر فوری و ضروری ، سیاستی پیشنهاد میکنند که‌تنها دردی از دردهای‌اقتصادی کشور را درمان نخواهد نمود ، بعکس بر حدت‌و شدت مشکلات موجود بمراتب خواهد افزود . مضمون عمده سیاست جدید اقتصادی آقای انصاری تسلیم بلاشرط در برابر بخش خصوصی است . سیاست اقتصادی مزبور درست در هنگامی اتخاذ میشود که در عده کثیری از کشور های در حال رشد بعکس بخش دولتی در برابر بخش خصوصی تقویت میگردد . بانك ها و مؤسسات بزرگ صنعتی و بازرگانی ملی میشوند و میدان عمل بخش دولتی گسترش‌می یابد . سیاست اقتصادی‌مزبور تنها بسود سرمایه داران بزرگ داخلی و سرمایه های خارجی است که با سرمایه های داخلی در آمیخته‌اند‌وزیر ماسك‌بخش‌خصوصی خود را پنهان ساخته‌اند . پدیده مضر دیگر اقتصادی که در این روز ها همه شاهد و ناظر آنیم هجوم گروه کثیری از سرمایه داران بزرگ آمریکائی بایران‌وتشکیل کنسرسیومی از آنان برای سرمایه گذاری در مؤسسات توریستی ، در حمل ونقل ، در سوپر مارکت های تازه ، در مراکز کشت و صنعت است، تنها نتیجه‌این‌قبیل سرمایه گذاریها سود کلان

دنباله در صفحه ۷

درباره مصاحبهٔ اخیر شاه

در خرداد ماه ۱۳۴۹ (مه ۱۹۷۰) خبرنگاران رادیو-تلویزیون فرانسه با شاه ایران مصاحبه‌ای کردند که در همان‌موقع پخش شد و متن آن در مطبوعات ایران نشر یافت. این مصاحبه‌ایست طولانی. خبرنگاران دربارهٔ مطالب‌متنوعی از شاه سؤالات کردند و شاه که مطابق‌قانون اساسی «غیرمسئول» است، بعنوان‌سخنگوی مطلق و مختار دولت ایران، اظهار نظر کرد. ما در باره مسائل مختلف این مصاحبه طی مقالات گوناگون ماهنامه «مردم» نقطه نظر حزب را بموقع خود توضیح‌دادهایم و لذا در این مسائل‌وارد بحث‌نمیشویم. منظورمادر اینجا تنها پرداختن به برخی از نکات مصاحبه است که بویژه بسیاست داخلی رژیم و رفتار رژیم نسبت به اپوزیسیون و از آنجمله بحزب تودهٔ ایران ارتباط دارد.

«تصبیحات زیر و رو کننده»

یکی از تم های مورد علاقهٔ شاه، که هر وقت فرصتی بیابد در اطراف آن داد سخن میدهد، تم «انقلاب» است. درمصاحبه مورد بحث نیز شاه این مطلب را فراموش نمی کند و مدعی است که برای «دگرگون ساختن چهرهٔ کشور در مدت زمانی کوتاه و حتی‌الامکان‌با سرعت هرچه تمامتر» دست به اتخاذ «تصبیحات زیرو رو کننده‌ای» زده است. «انقلاب اساسی» او بدون خونریزی بوده، «نفرت طبقاتی» را پرنابکیخته و بدون «اردوکشیهای کار اجباری و تبعید ها و تیرباران کردن ها» تحقق یافته است.

موضوع تازگی ندارد. مدتهاست که شاه ایران و متابعان رژیم او از انقلاب دم میزنند ولی معلوم نیست این انقلاب «زیرو رو کننده» که «چهره کشور را در مدت زمانی ... و حتی‌الامکان‌با سرعت هرچه تمامتر» دگرگون کرده و بقول شاه «قاطبهٔ مردم ایران وخصوصاً دهقانان و کارگران و توده های پرزر گصلحت‌رابانام نیروی ایمان خود!» در پشت سر شاه قرار داده است، چیست و کجاست؟ آیارژیم استبداد سلطنتی و قدرت و ثروت شاهزادگان و والاگوهران در ایران خانه یافته است؟ آیا سازمان دوزخی «ساواک» با بیش از ۵۰ هزار جاسوس و دستگاههای شکنجهٔ خود منحل شده است؟ آیا حقوق و آزادیهای دمکراتیک در ایران تحقق پذیرفته است؟ آیا دست امپریالیستها از نفت، از ارتش، از بانکها، از صنایع، از بازرگانی خارجی ما کوتاه شده و ایران از زیر وامهای کمرشکن رهائی یافته است؟ آیا زمینداران بزرگ دیگر در ایران وجود ندارند؟ آیا دهقانان بی زمین و کم زمین در ایران بماجان زمین مبدل شده‌اند؟ آیا سرمایه داران وابسته به امپریالیسم دیگر در ایران کرم استثمار کارگران و زحمتکشان نیستند؟ آیا قشر های ثروتمند در عین قدرت اقتصادی صاحب قدرت سیاسی نیستند؟ آیا فقر سیاه و بسوادی عمومی ریشه کن شده؟ آیاایران‌ازبیمان‌ستو خارج شده وستشاران آمریکائی بر ارتش ایران نظارت ندارند و قراردادهای اسارت بار نظامی و اقتصادی با امپریالیستها لغو گردیده است؟

آری در ایران «رفورمهای» تم بنیدی در کادرمنافع‌امپریالیسم و بورژوازی بزرگ و برای‌تحکیم‌رژیم‌ضدملی و ضددموکراتیک کنونی، (آنهم در اثر فشار عوامل مختلف که یکی از آنها مبارزات وسیع و فداکارانه مردم است) انجام گرفته است که ایران را با سرعت در جادهٔ سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم پیش میبرد. این یك «انقلاب» نیست، بلکه یك‌سلسله اقدامات حکیم فرموده برای باصطلاح دقیق خود شاه در مصاحبهٔ مورد بحث «مهار» کردن انقلاب است لذا از جهت ذهنی کاملاً دارای ماهیت ارتجاعی و ضد انقلابی است.

این «تصبیحات زیر و رو کننده» منجر بآن شده‌است که سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ و بر رأس آنها خاندان پهلوی در اتحاد نزدیك‌باسرمایه‌های امریکائی، انگلیسی ژاپنی، آلمان غربی، فرانسوی، ایتالیائی و غیره گرم تاراج ایران هستند و واقعاً انقلاب زیر و رو کننده‌ای در میزان ثروت و قدرت و خوشگذرانیهای خود ایجاد، ولی مسائل و معضلات و تضاد های جامعهٔ ما را عمیق تر کرده اند.

و اما «نفرت‌طبقاتی» یا باصطلاح علمی آن «مبارزه طبقاتی» در اثر انقلاب دربارهٔ شاه، نه‌تنهااز میان نمیرود بلکه تشدید میشود. و آنچه که مربوط به شکنجه ها و تیرباران‌ها و تبعید هاست باید گفت پیروزی ضد انقلابی شاه و حامیانش این ارمغانهای شوم را فراوان در سالهای‌اخیربمیهن پرستان‌وآزادیخواهان تار کرده و تار میکند. کسانی که در ایران از روی کین طبقاتی موحش بسختی شکنجه‌وناپود میشوند انقلابیون واقعی هستند.

در واقع آنچه که در این میان «زیرو رو کننده» است، تصبیحاتی نیست که جامعه را زیر و رو کرده، بلکه ادعاهای ملوکانه است که حقایق را زیر و رو میکند!

شاه وایپوزیسیون

وقتی مخبران فرانسوی از شاه دربارهٔ «اقلیت های مخالف» رژیم سئوال می کنند وی میگوید: «کانون این مخالفت‌ها مخصوصاً در خارج از ایران قرار گرفته است، چون در داخل کشورما - اگر بتوانم برای مقصودم ضرب‌المثل‌بیاورم-بایدبگویم که حنای‌مخالفان رنگی ندارد زیرا مردمی که هر روز شاهد تحقق یافتن پیروزی تازه‌ای هستند، چگونه ممکن‌است گوش‌به نغمه‌های مخالفان بدهند.» در همین‌زمینه شاه از استدلال خود ذوق‌زده میشود، دور بر میدارد و میگوید: «بهمین دلیل کسانی که چنین نغمه هائی را در داخل کشور ما ساز میکنند، برای خود مستمعی نخواهند یافت. همه کس آنها را به تمسخر خواهد گرفت و نقاب از چهرهٔ آنها دریده خواهد شد.»

پس منظره اینطور است که درایران بخش قربانیان رژیم، از تیرباران شده ها، تبعید شده‌هازندانی شده ها را تشکیل میدهند زیرا بی گیرترین، فعالترین و مؤثرترین نیرو در میان نیرو های مخالف رژیمند.

۲) میگوید این افراد مورد تعقیب دادگستری قرار میگیرند. دروغی از این آشکارتر ممکن نیست. در رژیم محمدرضا شاه بدادگستری ایدا و اصلا اجازه رسیدگی به اتهامات دادمنده‌ه و دادگستری حتی بکار هم جرأت دخالت در این امور نکرده است، در بست این پرونده های ساختگی و مجعول را دادگاههای دربسته و غیر صالح نظامی مورد «رسیدگی» قرار دادهاند و تکلیف پرونده ها را نیز سازمان امنیت به سود شاه معین میکنند. در ایران خود سری و بی قانونی بی آزرم‌علنی وبسیار خشنی حکمروا است.

۳) میگوید: «کمونیست ها طبق قانون مربوطه رژیم اشتراکی مورد تعقیب هستند. در اینجا نیز دو مغلطه وجود دارد:

الف) قانون مورد اشارهٔ شاه، همان قانون مصوبه سال ۱۳۱۰ (که دکتر ارانی آنرا «قانون سیاه» نامیده) مدتهاست پایهٔ تعقیب کمونیست ها نیست زیرا حد اکثر مجازات زندان که در این قانون قید شده ده سال است ولی کمونیست هارا در ایران معمولا تحت عنوان ساختگی «قیام و اقدام علیه حکومت مشروطه» به اعدام محکوم می کنند و محکوم کرده‌اند و محکومیت به حبس ابد امر عادی است. و گویا بهمین سبب است که فرح پهلوی قهرمان مبارزه با چاپلوسی(!) در یکی از مصاحبه های مطبوعاتی گذشتهٔ خود با مجلهٔ «روز» چاپ آلمان غربی تحت عنوان «شوهرم، شاهنشاه» گفت: «شاه اصولا دارای چنان روح بسا گذشت و پر عطوفتی است که نمیتواند مجازات کند»!

ب) قانون مورد اشارهٔ شاه پس از شهریور ۱۳۲۰ و سقوط رژیم استبدادی رضا شاه از طرف مجلس و دولت علا ودر موارد متعدد و بشکل مستر بی اعتبارشناخته شد، زیرا همین حزب تودهٔ ایران که امروز عضویت درآن مشمول این‌قانون شناخته میشود در مجلس و دولت شرکت داشته و سازمانی علنی بوده است.

لذا خودتان قضاوت کنید که شاه در چند جمله چقدر مغلطهٔ تعمدی گنجانده است نظیر آنکه میگفت: «خمن و خمین هر سه دختران معاویه را در بیرون دروازهٔ کوفه سگ‌دریده» که خمن نیست و حسن است و خمین‌نیست وحسین‌است و هرسه نیست و هر دو است و دختران نیستند و پیرانند و معاویه نیست و علی است و بیرون دروازهٔ کوفه نیست بیرون دروازهٔ کنعان است وسگ نیست وگرگ‌است. تازه‌همهٔ این مطالب‌مربوطه‌به‌یوسف پیغمبر است که خودابن مسئله دریده شدن یوسف بوسیله گرگ هم از اصل دروغ بوده است.

ا. س

در بارهٔ لایحهٔ قانون کار کشاورزی

بیست و سه سال پیش شاه وعدهٔ تهیه قانون کار کشاورزی داد . در تبصره ماده ۳۰ قانون کار مصوب ۲۸ اردیبهشت سال ۱۳۲۶ گفته میشد : « اداره کل کار با مشارکت وزارت کشاورزی آئین نامه مخصوصی جهت کارگران و مزدوران کشاورزی تهیه خواهد نمود . » سالیان دراز سپری شد و قانون کار سال ۱۳۴۵ که تبره مبارزات پر دامنه طبقه کارگر ایران به رهبری حزب توده ایران بود ، در شرایط فشار و اختناق سالهای پس از کودتا منسوخ اعلام گردید و قانون کار جدیدی در سال ۱۳۳۷ بتصویب رسید که در حقیقت نسبت به قانون پیشین گامی بعقب بود . در ماده ۸ این قانون باز دیگر وعدهٔ سال ۱۳۲۵ تکرار شد که ، «کارگران کشاورزی و خدمه و مستخدمین منازل تابع مقررات خاصی که بموجب قوانین جداگانه‌ای تعیین میشود خواهند بود .» ولی قانون جداگانه ای تهیه نشد ، تا اکنون که پس از بیست و سه سال لایحه قانون کار کشاورزی تهیه شده و قرار است برای تصویب بمجلس ارائه گردد . با آنکه قانون کار سال ۱۳۴۷ که خاص کارگران شاغل در شهرهاست تناقض فراوان دارد و بهیچوجه تأمین کنندهٔ منافع طبقه کارگر ایران نیست ، ما قانون کار کشاورزی را با همین قانون ناقص مقایسه میکنیم تا روشن شود ، چگونه حقوق زحمتکش ترین قشر روستانشین بسود مالکان مورد اجحاف قرار گرفته است .

بموجب مواد ۱ و ۲ و ۳ و ۵ قانون ، کارگر کشاورزی کسی است که بموجب قرارداد کار (منظور توافق کتبی یا شفاهی بین کارگر و کارفرماست) در مقابل دریافت مزد یا حقوق (اعم از وجه نقد ، وجه نقد و کالا و یا فقط کالا) یک یا چند شغل از مشاغل کشاورزی را (اعم از اینکه هر یك از این کارها با دست یا با ماشین انجام شود) در مدت معین یا نامحدود برای کارفرما انجام دهد . طبق تعریف فوق روشن است که منظور از کارگر کشاورزی تنها نفر کوچك کارگرانی که در زمینهای مکانیزه بکار مشغولند نیست ، بلکه قانون با نفر انبوه برزگران روستا نیز که فاقد زمین و سایر عوامل زراعتی هستند سر و کار دارد و تشریح کلمه «مالك» به «کارفرما» ماهیت استثمار وحشیانه برزگران را بدست مالکان تغییر نمیدهد . این قشر عظیم از بی چیز ترین و بی حقوق ترین زحمتکشان روستاست که سالیان دراز بی آنکه قانون و مرجعی از او حمایت کند ، آماج استثمار شدید مالکان فئودال بوده و این نخستین قانون کار کشاورزی بجای آنکه بدفاع از حقوق این زحمتکشان محروم برخیزد ، استثمار قرون وسطائی گذشته را در بسیاری از موارد و از جمله ساعات کار و حد اقل دستمزد تثبیت نموده است . ابتدا ساعات کار کارگران کشاورزی را بررسی کنیم .

در ماده ۷ قانون ، ساعات کار روزانه کارگران کشاورزی بر خلاف قانون کار و کلیه قوانین کار بین المللی بجای ۸ ساعت ، ۱۰ ساعت تعیین شده ، کارگران کشاورزی از استفاده از یك روز تعطیل در هفته محرومند و حواله تعطیل هفتگی کارگران به آئین نامه ای داده شده که معلوم نیست کی و چه زمانی باید تدوین و تصویب گردد . تعیین کار ۸ ساعته روزانه از آنجهت است که هر انسانی حد اکثر پس از ۸ ساعت کار مداوم بدنی و یا فکری نیروش تحلیل میرود و نیاز باستراحت دارد . اما در عرف زمامداران ایران کارگران کشاورزی ، آدمهای ویژه‌ای هستند که باید روزانه ۱۰ ساعت تمام بکار شاق شخم و کشت و آبیاری و درو مشغول شوند و مضحك تر آنکه تعطیل روز جمعه هم نداشته باشند . حتی در مورد تعطیلات رسمی هم نسبت به کارگران کشاورزی تبعیض وجود دارد و با آنکه در قانون کار تعطیلات رسمی ۱۰ روز تعیین شده ولی کارگران کشاورزی فقط حق استفاده از ۸ روز تعطیل را دارند . مرخصی سالیانه کارگران کشاورزی نصف کارگران شهری است و در صورتیکه ۱۲ ماه متوالی کار کرده باشند فقط ٦ روز مرخصی با استفاده از مزد و یا حقوق بآنان داده میشود .

حد اقل دستمزد کارگران کشاورزی تعیین نشده است . در ماده ۱۵ قانون گفته میشود ، « مادام که حد اقل مزد تصویب نگردیده حد اقل مزد همان خواهد بود که بنا به عرف محل بکارگر ساده در پنج اشتغال پرداخت میگردد . » روشن است که عرف محل همان استثمار قرون وسطائی است که تمام ثمرهٔ کار کارگران کشاورزی را به جیب مالك میریزد . همین «عرف محل» است که طبق بازرسی گروه تحقیق مجله تحقیقات اقتصادی ، چنانچه کارگر کشاورزی برای تمام سال اجیر شود ، دستمزد سالیانه او حد اکثر از ۱۰۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰ ریال تجاوز نخواهد کرد . (مجله تحقیقات اقتصادی شماره ۱۷ - ۱۸ بهار و تابستان سال ۱۳٤۸) و این مبلغ ناچیز یعنی مزد روزانه ۲۸ تا ۳۰ ریال برای یك خانواده حد اقل چهار تا پنج نفری ، از یکسو دعاوی پر آب و تاب رژیم شاه در باره اینکه ایران را یکقرن بجلو پرتاب نموده و در شمار کشور های پیشرفته قرار داده است و از سوی دیگر گلدان ناچیز و بخور و نمیر توده عظیم زحمتکشان !!

طبق قانون کار ، بکار گماردن اطفالی که سن آنها کمتر از ۱۲ سال تمام باشد مجاز نیست ، (ماده ۱٦) این ماده از قانون همواره مورد اعتراض شدید حزب ما بوده و کراراً از دولت خواسته ایم که حد اقل سن کار کودکان نباید از ۱٤ سال تمام کمتر تعیین شود . اما اکنون قانون کار کشاورزی پا را از آنهم فراتر نهاده و سن کار برای کودکان روستا را ۱۰ سال معین نموده است ، (ماده ۱۲) با چنین توصیفی رژیم شاه ادعای اجرای قانون تعلیمات اجباری را دارد و گوش جهانیان را از مبارزات مجدانهٔ !! خود با بیسوادی کر کرده است . اگر قانون تعلیمات اجباری ٤ ساله هم در کشور اجرا میشد ، طفل ۱۰ ساله نمیتوانست نیروی کار باشد ، بلکه باید به تحصیل اشتغال ورزد . ولی چون قانون اجرا نمیشود و بر روی کاغذ میماند ، دختران و پسران ۱۰ ساله روستا باید اجیر مالك و شر کتهای کشاورزی باشند و یا ۱۰ ساعت کار روزانه جیب آنان را پر کنند . در قانون کار برای زنان و اطفال کوچکتر از ۱۸ سال کار شب و کارهای سخت و خطرناك منع شده است . ولی در قانون کار کشاورزی فقط زنان و اطفال کمتر از ۱٦ سال مشمول این استثناء هستند .

ماده ۱۸ قانون کار زنان باردار را از ٦ هفته قبل از زایمان تا ٤ هفته پس از زایمان از کار معاف میدارد . گو اینکه بر خلاف تمام موازین حقوقی و انسانی دستمزد دوران بار داری بزنان کارگر پرداخت نمیشود ولی لااقل کارفرما در این دوران حق اخراج آنها را ندارد . اما در قانون کار کشاورزی هیچگونه مقرراتی برای زنان باردار وجود ندارد . با توجه باینکه اکثریت زنان روستائی در کار کشت و زرع شرکت دارند و تعداد آنها بمراتب بیش از زنان شاغل در شهرها است و با توجه به کار دشواری که انجام میدهند ، ضرورت وضع مقررات خاص برای زنان باردار بیش از پیش احساس میشود . رژیم ایران که خود را آزاد کننده دهقانان ، حامی کارگران و مدافع حقوق زنان اعلام میکند ، این دم خروسها را چگونه پنهان میدارد ؟

قانون کار کشاورزی به کارفرما حق میدهد با پرداخت یکماه مزد یا حقوق (چنانکه کارگر سه ماه متوالی و یا ٦ ماه متناوب در ۱۲ ماه قبل از فسخ قرار داد سابقهٔ کار نزد کارفرما داشته باشد) قرار داد کار را فسخ کند و کارگر را اخراج نماید . واضح است که با وجود بیکاری پنهان در دهات ایران و وجود اضافه جمعیت روستائی ، دست کارفرما همیشه باز است تا از میان انبوه کارگران و برزگران ، نازمندترین آنان را با شرایط دلخواه خود بر گزینند ، زیرا قانون از حقوق کارگران و برزگران هیچگونه حمایتی نمیکند .

توجه به شرایط کار کارگران کشاورزی ، نه تنها از آنجهت که هم اکنون قشر انبوهی از بی حقوق ترین زحمتکشان روستا را در بر میگیرد واجد کمال اهمیت است ، بلکه از آنجهت نیز که با تشدید قشر بندی در روستای ایران براساس سیاست کشاورزی دولت و عدم نگاهی صنایع ایران برای جذب مهاجران روستا ، بر تعداد کارگران کشاورزی روز بروز افزوده خواهد شد .

شکل خاص تولید کشاورزی و عدم تمر کز آن ، تشکل کارگران کشاورزی را بدون تردید دشوار میکند ولی این بدانمعنی نیست که باید از مبارزات موضعی برای بهبود شرایط کار و زندگی خود دست بشوند . وظیفهٔ طبقه کارگر ایران ، دهقانان و عناصر پیشرو است که به برادران همرزم خود در

دنباله در صفحه ۵

اتحاد انقلابی جوانان جهان

هیئت اجرائیه فدراسیون جهانی جوانان دمکرات از تاریخ ۱٦ تا ۲۱ ماه مه در شهر کاتوبیه (جمهوری توده ای لهستان) جلسهٔ سالیانهٔ خود را تشکیل داد ، سدهٔ لنین-بیست و پنجمین سالگرد پیروزی بر فاشیسم ، مبارزهٔ مردم ویتنام علیه متجاوزین امریکائی و برنامهٔ عمل مشترك جوانان در سراسر جهان برای تقویت همبستگی و پیکار آنها علیه امپریالیسم و همچنین مسائل تشکیلاتی و برنامهٔ کار آینده فدراسیون در دستور روز قرار داشت. انتخاب کاتوبیه برای تشکیل این جلسه تصادفی نبود . لنین از سال ۱۹۱۲ تا ۱۹۱٤ در این شهر و شهر های اطراف زندگی و فعالیت میکرده است و نمایندگان جوانان جهان توانستند از نزدیك با فعالیت لنین وزندگیش از دوران کودکی تا زمانی که در رأس اولین حکومت کارگران و دهقانان قرار گرفت آشنا شوند .

جلسه پس از صدور قطعنامه های مختلف برای جلب بازهم بیشتر جوانان بصفوف مبارزان و تشدید پیکار خود علیه تجاوزات وحشیانهٔ امپریالیستها به ویتنام ، کامبوج و لائوس و کشور های عربی و همچنین نئو نازیستها و انتقامجویان آلمان غربی بکار خود خاتمه داد.

نمایندهٔ جوانان توده‌ای ایران در نطق خود جوانان جهان را با شرایط کار و زندگی و مبارزهٔ جوانان کشور ما آشنا ساخت و از جمله گفت ، (مبارزه علیه رژیم شاه که پشتیبانی امپریالیستها برخوردار است و همراه با ترور و شکنجهٔ مبارزان به مانور های عوام فریبانه و رفرمهای نمایشی دست میزند ، دشواری های ویژه خود را دارد ولی جوانان مترقی ایران در این مبارزه تنها نیستند و از حمایت جوانان مترقی و دمکرات سراسر جهان ، جوانان اتحاد شوروی و سایر کشور های سوسیالیستی برخوردارند)

اطلاعیه

اخیراً در اروپای غربی باز کسانی پیدا شده‌اند که مستقیم و یا غیر مستقیم خود را عضو و یا هوادار حزب توده ایران معرفی میکنند و رفتار و گفتار آنها از طرف دشمنان و مخالفان ما مورد سوء استفاده و ملاك قضاوت درباره مشی حزب ما قرار میگیرد . در همانحال مخالفان و دشمنان حزب میل خود کسانی را عضو و یا نماینده حزب توده ایران معرفی میکنند و رفتار و گفتار اینگونه افراد را متمسك کننده مشی حزب توده ایران وانمود میسازند .

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران بار دیگر صریحاً و اکیداً اعلام میکند که هیچگونه مسئولیتی در بارهٔ رفتار و گفتار هیچ فردی که بنحوی از انحاء خود را منتسب به حزب میسازد و یا وی را منتسب به حزب میسازند ، ندارد .

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۹ خرداد ماه ۱۳٤۹

بمناسبت اول ژوئن روز جهانی دفاع از کودک

از کودکان خود دفاع کنیم

روز اول ژوئن روز بین‌المللی دفاع از کودک است ، هرسال در این روز در سراسر جهان مراسمی در دفاع از کودکان بر گزار میشود . در میهن ما نیز تا قبل از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ روز کودک بر گزار میشد ولی سالهاست که دیگر از کودکان و روزگار سیاه آنان صحبتی نیست . زندگی آنها در زندگی پر تجمل فرزندان شاه خلاصه شده است . اگر صحبتی از کودکان بمیان میآید تنها درباره آن چند کودکی است که در قصرهای سلطنتی ، در دامن پرستارهای بیشمار داخلی و خارجی بسر میبرند .

سر نوشت کودکان ما ، کنونان تلخ آنها ، موضوع آموزش و پرورش آنها در هیچ کانون و سازمان دولتی مطرح نیست . برای رژیم ایران مسئله ای بنام « مسئله کودک » وجود ندارد . اگر سخنی در این زمینه گفته میشود اتفاقی است . اگر گامی دراین جهت برداشته میشود ناچیز و تصادفی است .

مطبوعات نیز بسرنوشت کودکان کمتر توجه دارند . دنیای کودکان برای آنها دنیائی است بیگانه ، دنیائی خالی از هیجان ! برای اکثریت آنها پرداختن بزندگی « ولیعهد » و سه فرزند دیگر شاه ، از ترسیم زندگی ناشاد میلیونها کودک ایرانی است چرا که بحث در باره « نوغ » ولیعهد ، « شیرین زبانهای » فرحناز ، « خواب و خوراک » و « گریه های ملیح » لیلا اگر توجه مقامات مین را بمدیر روزنامه جلب نکند و راه ترقی او را نگشاید ، حد اقل این خاصیت را دارد که درد سر ایجاد نمیکند .

نگاه غمزدهٔ کودکان ما

در ایران آمار دقیق در باره مرگ و میر کودکان وجود ندارد . دیچکس بدرستی نمیداند چند در صد کودکان ما تحصیل میکنند . چند در صد در نیمه راه تحصیل میمانند . در کار خانه ها ، کارگاهها و دکانها چند کودک بکار مشغولند . تعداد کودکان بی سر پرست چقدر است . در این باره میتوان بسخنان یکی از فرستادگان وزارت کار به استان خوزستان اشاره کرد که گفته است : « مؤسسات خیریه برای آنکه پول بیشتری بگیرند تعداد کودکان بی سر پرست را همیشه بیش از آنچه هست صورت میدهند و کار کاههای فرشبافی و کارخانه هائیکه از نیروی کار کودکان استفاده میکنند همیشه تعداد آنها را کمتر مینویسند » با اینحال آماری که در دست است تابلو حزن انگیزی از دنیای تاریک کودکان ما نشان میدهد .

رئیس انستیتوی خواروبار و تغذیه ایران در روز نامه کیهان مینویسد :

« برطبق بررسی هائیکه در خوزستان ، لرستان ، آذربایجان غربی و شرقی ، فارس و منطقه قشقائی ، کرمان ، اصفهان ، یزد ، خراسان ، نواحی کویر ، گرگان و مازندران صورت گرفت معلوم گردید که ثلث کودکانیکه به بیمارستانها مراجعه میکنند عارضه ای جز سوء تغذیه ندارند و از هر دو تن از این کودکان یکنفر قبل از آنکه دوران بستری بودن او به پانزده روز برسد تلف میشود و آنهائی هم که از مرگ رهائی مییابند در شرائطی بسته که افراد سالم و نیرومندی برای اجتماع باشند و در دوران فعالیت نمیتوانند استعداد و توانائی کامل وکافی از خود نشان دهند .

او میافزاید :

« میزان کالری غذائی مردم ایران از استاندارد بین‌المللی کمتر و میزان پروتئین مصرفی مخصوصاً پروتئین حیوانی بسیار ناچیز است بعلت این کمبود است که در حال حاضر طبق بررسی هائیکه صورت گرفته است کودکان دبستانی ما ، با مقایسه با همسالان خود در کشورهای صنعتی و پیشرفته بیش از ۳ کیلو کمبود وزن و در حدود ۱۰ سانتیمتر کمبود قد دارند . . .

در سال ۱۳۴۴ وزیر بهداری ایران اعتراف کرد که از هر ۱۰۰ کودک ایرانی ۶۰ کودک تا سن ۵ سالگی میمیرند . امروز نیز پزشکان وزارت بهداری اعتراف میکنند که هر سال دهها هزار کودک بر اثر سوء تغذیه ، بیمار یهای سل ، سرخک ، حصبه ، مالاریا و سرماخوردگی تلف میشوند .

اشرف پهلوی اعتراف میکند : « ما هنوز نتوانسته ایم شرایط تحصیلی را برای تمام کودکان فراهم کنیم . » او میگوید : « هنوز یک میلیون و هفتصد هزار طفل واجد شرایط تحصیلی بمدرسه نمیروند . از این عده پانصد هزار نفرشان در شهر ها زندگی میکنند و یکمیلیون و دویست هزار نفرشان در روستا ها بسر میبرند . او تأکید میکند : « طبق طرحها ئیکه در دست داریم اگر ما بتوانیم تا ۵ سال دیگر تمام اطفال شهر نشین را بمدرسه بفرستیم بازهم بامسئله ۶۰ درصد دیگری که در روستا ها زندگی میکنند دست بگریبان خواهیم بود . »

گل وجود کودکان ما در کارخانه ها ، در کارگاههای تاریک و مرطوب فالی بافی ، در دکانها ، در گل و لای کوچه ها میخشکد روزنامه اطلاعات مینویسد : با تمام اقداماتی که برای جلو گیری از کار کودکان خرد سال بعمل آمده است هنوز در کارگاههای قالی بافی کرمان ، آذربایجان ، خراسان و کاشان ، در کارخانه های نساجی اصفهان ، در دکانها ، در کارگاههای کوچك ، در کار خانه های شیشه گری و چینی سازی دهها هزار کودک بین ۵ تا ۱۰ سال کار میکنند . دستمزدی که باین کارگران کوچك میپردازند بین ۲ تا ۱۲ ریال است . ۴۰ در صد کودکان قالیباف دچار بیماری نرمی استخوان هستند . ۲۰ در صد آنها هرگز دوره جوانی را نمیبینند . . . »

داستان زندگی کودك ایرانی داستان حزن انگیزی است . او از همان لحظه ایکه چشم میگشاید با دنیای فقر ، جهل ، بیعدالتی

دنباله در صفحه ۶

کودکان ویتنام

امپریالیسم امریکا برای هر فرد ویت نام شمالی هفتصد تن بمب هدیه کرده است .

مجموع بمبی که امریکائیها بر روی ویت نام شمالی ریخته اند دو برابر و نیم تمام بمبهائی است که در جنگ دوم جهانی مصرف شده است و همه برای آنکه منظره هایی از این قبیل که در برابر ماست پدید آید !

اخراج از حزب

امیر یاوری بمناسبت انتشار جزوه ای که محتوی آن عبارت است از : تعریف آگاهانه واقعیات و تاریخ حزب ، تعریف سیاست ملی و خط مشی انترناسیونالیستی حزب ، نشر اکاذیب و مجعولات در بارهٔ روابط حزب ما با احزاب برادر ، تخطئهٔ خط مشی عمومی از جمله نفی مواد مرامنامهٔ حزبی ، که نقض فاحش و آشکار مواد زیرین اساسنامهٔ حزب است از حزب توده ایران اخراج میشود :

فصل ۲ بند الف از شرائط عضویت : قبول برنامه و مبارزه در راه تحقق بخشیدن به آن و تبعیت از اساسنامه حزب ؛

فصل ٤ بند .هـ. از وظائف عضو حزب که باید : مبلغ مرام و سیاست و خط مشی حزب باشد و برای تحقق آن بکوشد ؛

فصل ٤ بند .ز. که باید : از هر عملی که مخالف حیثیت و اعتبار حزب و ارگانهای آن باشد بپرهیزد .

هیئت اجرائیهٔ کمیته مرکزی حزب تودهٔ ایران

دنباله از صفحه ٤

در بارهٔ لایحهٔ قانون کشاورزی

تجهیز و تشکل و مبارزه پاری دهند و با همبستگی خود مانع شوند که حقوق کارگران کشاورزی اینچنین پیرحمانه دستخوش تجاوز قرار گیرد .

از کودکان خود...

دنباله از صفحه ۵

نا برابری و ظلم روبرو میگردد . زنده ماندن و موفقیت او در اجتماع تصادفی است ، هیچ قانونی از این نهالهای کوچك زندگی حمایت نمیکند .

ژرژ هومن روزنامه نگار فرانسوی که چندی پیش به ایران آمده بود پس از باز گشت بهمین خود نوشت : « وضع کودکان در ایران حزن انگیز است . در سر هر کوچه ای ، در هر خیابانی ، در تمام کارخانه ها وکار گاهها شما با چهره های رنگ پریده و چشمان بر غم آنها روبرو میشوید . در هر شهری وقتی عنوز از اتومبیل پیاده نشده اینه نا گهان دهها کودك زنده ، کثیف و گرسنه شمارا در میان میگیرند و تقاضای کمك میکنند . آنها حاضرند بار سنگین شما را بر پشت تا توان خود حمل کنند ، حاضرند چمدان های شما رابرند . ماشین شما را بشویند ، کفشهای شما را پاك کنند . آنها حتی بدون اجازه روی پاهایتان می افتند و شروع به پاك کردن کفش های شما میکنند . خیل کودکان واگرد همه جا دنبال شما هستند . من در تهران در آبادان ، کرمان ، اصفهان و شیراز همه جا با گروهی از این کودکان روبرو بودم . »

کودك ایرانی از روزی که چشم می گشاید خود را با نظامی دقل و بیرحم روبرو می بیند . نظامی که در کمین خرد کردن هر کس است که باندازه کافی خدمه کر ، پولدار و قلدر نباشد . نظام ما کم هر گونه مقاومت روحی را در کودك میکشد و او را به پاس ، انبوه ، نا توانی و سرگیرانی سوق میدهد .

متأسفانه هنوز میلیونها پدر و مادر ایرانی فقر و محرومیت خود را یك جریان ضرور و مقدر قلقی میکنند . بسیاری از هموطنان ما هنوز نمیتوانند تصور کنند چه تفاوت بزرگی بین زندگی آنها و زندگی در کشورهای مترقی وجود دارد .

ما می توانیم در سر زمین پر ثروت ایران زندگی مرفهی برای همه ایجاد کنیم . ما میتوانیم در صورت داشتن نظام اجتماعی مناسب در یك دوره به چندان طولانی کلیهٔ شرایط ضرور اولیه زندگی و پرورش را برای همه کودکان ایرانی فراهم سازیم . آنها را از مرگ زودرس ، کار بیوقع ، گرسنگی ، بیسوادی ، زندگی غیر صحی و از تربیت نا درست نجات دهیم .

یازده سال پیش اعلامیه حقوق کودك به تصویب سازمان ملل متحد رسید . این اعلامیه دولتها را ملزم میدارد که شرایط رشد جسمی ، فکری ، اخلاقی و اجتماعی کودکان را فراهم آورند . این اعلامیه از جانب رژیم ایران نا دیده گرفته شده است . پدران و مادران ایرانی میتوانند بامبارزه جمعی از دولت بخواهند که لا اقل مفاد این اعلامیه را رعایت کند و موجبات تکامل سالم روحی و جسمی کودکان میهن ما را تامین نماید .

۱. فروزان

کار زار تازه رژیم ...

دنباله از صفحه ۱

قابل تذکر است که از جهت بررسی عینی ایدئولوژیك داشتن موضع انقلابی کری کاذب (که برخورد با واقعیت صحت آنرا ثابت نمی کند) زمینه را بیشتر برای لغزیدن بمواضع رفرمیسم ایپورتونیستی ، در نخستین پیدایش شرایط لازم آن ، فراهم میآورد . از این درس نیز نباید غافل شد .

ما درموقع خود از گروه چهارده نفری که پرویز نیکخواه در میان آنها بود بعلت آنکه قربانی خودسری رژیم بودند ، با تمام وسایل خود مدافعه کردیم . این مشی اصولی ما بود . تذکار نکتهٔ فوق نیز بهیچوجه ناشی از آن نیست که ماازپدیدهای که روی داده خرسندیم . بر عکس پیدایش هر نوع سستی در صفوف اپوزیسیون ضد رژیم مایهٔ تأسف عمیق ماست زیرا وسیله جدیدی برای جبارو جنجال تبلیغاتی و تاخت و تازیست رژیم میدهد .

هدف رژیم از این جنجال چیست ؟ رژیم دو هدف اصلی را تعقیب میکند . از یکطرف میخواهد اعتبار و حیثیت جنبش انقلابی ایران را لکه دار کندو به مبارزه ضد کمونیستی خود جان تازه بدهد و بدین ترتیب قدرت مقاومت مبارزان دیوزه جوانان را سست کند و یا در هم شکند . از طرف دیگر برای خود حیثیت و اعتبار دست و پا کند . ولی این هر دو تلاش بیهوده ای است ، مگر میتوان تسلط امپریالیسم و بار در اقتصاد و سیاست میهن ما ، فقر و جهل و بیماری اکثریت عظیم هموطنان ما ، فقدان بدیهی ترین آزادیهای دمکراتیك را در ایران و غارت و چپاول خاندان پهلوی و طبقه حاکمه را پوشاند و رژیم ضد ملی و ضد دمکراتیك کنونی را بگواهی تسلیم طلبان و مرتدان « آزاد و مستقل و مرفه » معرفی کرد ؟

« اعتراضاتی » که در شرایط خفقان و زندان و شکنجه با فشار روحی و ترور فردی وعمومی گرفته شود چه تأثیری در فضاوت افکار عمومی مردم ایران دارد ، که شب و روز با واقعیت تلخ و دردناك فقدان آزادی و استقلال و عدالت در میهن ما روبرو هستند ؟ اگر گردانندگان رژیم خودشان را نخواهند گول بزنند ، هیچ ایرانی صدیق و شریفی را نمیتوانند درباره ماهیت فاسد و ظالم خود به اشتباه بیندازند .

درهم شکستن جنبش انقلابی ایران هم غیرممکن است . از گذشته دور صحبت نمیکنیم . حداقل ۱۶ سال است که رژیم محصول کودتا از یکطرف مبارزان انقلابی را تعقیب میکندواز طرف دیگر ضعیفان را به تسلیم و ارتداد وامیدارد .

بیش از بیست سال است که حزب توده ایران را « منحله » اعلام کرده اند ، ولی روزی نیست که بشکلی از اشکال صحبتی از این « حزب منحله » درمیان نباشد و لحظه ای نبوده است که برچم مبارزه در راه آزادی و استقلال ایران بر زمین افتاده باشد . و این آرزو هر گز تحقق نخواهد یافت .

بحرین و سیاست دولت ایران

دنباله از صفحه ۱

را چگونه تحلیل میکند .

نخست باید تصریح کنیم که حزب توده ایران ، هوادار حق خود مختاری کامل تمام خلقها و ملتهاست و اعتقاد دارد که هر خلق و ملتی حق دارد که در بارهٔ سر نوشت خویش ، تصمیم بگیرد و این تصمیم ، محترم و متبع است . ما با هر گونه اعمال قهر در حل مسائل ناشی از حقوق ملی مظالیم و آنرا به عنوان یك عمل تجاوز کارانه شدیداً محکوم میکنیم . بدین ترتیب استفسار نظر ما کنین بحرین را در مورد سر نوشت خویش امری صحیح می دانیم ونظر آنهارا که هوادار استقرار قهر آمیز ایران بر بحرین بوده اند و هستند ، مردود میشمریم . ولی در این مورد باید متذکر شویم که عمل نماینده اوثنات در بحرین ، مراجعه به افکار عمومی مردم این مجمع الجزائر نبوده بلکه استفسار منفرد نظر سازمانها و افرادی بوده است که خود را نماینده مردم آنجا معرفی کرده اند . این نوع جدیدیست از رفراندم که بدلائل گوناگون نمیتواند مورد تأیید ما باشد . ولی در عین حال متقدیم که اگر رفراندم واقعی هم در بحرین انجام میگرفت نتیجه ، جز نتیجه ای که بدست آمده است نمیبود بدین ترتیب ، مخالفت ما بمعنی تردید در نتیجه نیست ، بلکه اعتراض بشکل عمل است . و این اعتراض از آنجهت ضروری است که ممکن است در آینده در موارد دیگر ، همین شکل بکار برود ، و نتایجی در جهت عکس تمایلات مردم ، بدست آید و باستناد سابقه مورد تأیید قرار گیرد .

اما علل واقعی تصمیم دولت ایران نیازمند بررسی عمیق تری است .

سالهاست که دولتهای ایران در مبارزه وسیعی که در خاور میانه بر ضد نفوذ امپریالیسم جریان دارد ، در کنار نیروهای ارتجاع و هوادار امپریالیسم قرار دارند . در خاور میانه عربی ، رژیم ایران ، یار و هوادار کشور های مرتجع عربی و هواداران استعمار گر آنها ، و دشمن دولتهای ترقیخواه و ضد امپریالیست این منطقه است . در این سالها ، همیشه دولتهای ایران کوشیده اند که ائتلافی از نیروهای ارتجاعی این منطقه بر ضد نیروهای ترقیخواه بوجود آورند و بدین ترتیب مبارزه ضد امپریالیستی نیروهای ترقیخواه عربی را از داخل مورد حمله قرار دهند . تا کنون پیوسته وجود اختلاف بر سر بحرین ، مانع ایجاد این ائتلاف ارتجاعی بوده است و هر بار که دولتهای ایران ، عربستان سعودی و کویت در این راه قدمی برداشته اند ، بلافاصله بعلت اختلاف بر سر بحرین بی ثمر مانده است . در سالهای اخیر ، دولت ایران مکرر بر سر این دو راه قرار گرفت که یا از ائتلاف با نیروهای منطقه ، بنفع ادامه ادعای خود بر بحرین چشم بپوشد ، یا بحرین را فدای این ائتلاف کند . سرانجام « مصلحت » کوچکتر یعنی ادامه ادعای بر بحرین فدای « مصلحت » بزرگتر ، یعنی ائتلاف ارتجاعی با برخی از کشورهای منطقه شد و مانعی که بر سر راه بود کنار رفت .

بدینترتیب تصمیم دولت ایران بهیچوجه حاکی از علاقه به « دموکراسی » ، « رعایت حقوق و احترام به حق خود مختاری خلقها » و غیره نیست . بلکه ناشی از سیاست ارتجاعی دولت ایران است که با ساعت راه خود را دنبال میکند .

گذشته از این ، « حل مسأله بحرین » نه تنها به ایجاد یك ائتلاف ارتجاعی در خلیج فارس کمك خواهد کرد ، بلکه مقدمه ای خواهد بود برای استقرار نفوذ اقتصادی و سیاسی سرمایه داری در حال رشد ایران ، در شیخ نشین های خلیج . دولت ایران با مراجعه به اوثنات در حقیقت با یك تیر سه نشانه زده است .

بقیه در صفحه ۷

اشتباه تاریخی طبقات حاکمه ارتجاعی اینستکه منافع طبقاتی چشمان آنها را کور میکند و در نتیجه نمیتوانند ببینند که تحول بنیادی در اجتماع ، استقرار دمکراسی و سوسیالیسم یك ضرورت تاریخی و یك قانونمندی است ، و هیچ زوری و هیچ فریبی نمیتواند از تحقق آن جلوگیری کند . راه انقلابیان البته دشوار و طولانی و پرنج است . قربانی هم کم نیست . ولی بطوریکه تاریخ جنبش انقلابی مردم ایران نشان میدهد انقلابیان واقعی بر سر آرمانهای انقلابی خود جان شیرین فدا میکنند ولی هر گز تن به تسلیم و ارتداد نمیدهند و در فرجام مبارزه یعنی روز آزادی نیز کمترین تردیدی ندارند .

پاسخ ما و همه مبارزان انقلابی ایران به جنجال تازه رژیم اینست ، ما عمل ضعیفان و تسلیم طلبان و مرتدان را محکوم و آنهارا از بین خود طرد میکنیم . ما ترور بیسی و تبلیغات ضد کمونیستی رژیم را افشاء و مبارزه با آنرا تشدید میکنیم . ما با استحکامی بیشتر و عزمی راسخ تر میکوشیم مشی انقلابی حزب توده ایران را در جنبش ملی و دمکراتیك ایران پیروز گردانیم .

آینده متعلق به مبارزان انقلابی است .

۰۰ انوشه

تغییر شمارهٔ حساب بانکی بیك ایران

شماره حساب بانکی بیك ایران ، ماهنامه مردم ، مجله دنیا و مجله مسائل بین المللی بشرح زیر تغییر یافته است :

Sweden
Stockholm
Stockholms Sparbank
N: 0 400 126 50
Dr. John Takman

بحرین و سیاست دولت ایران

دنباله از صفحه ۶

۱ ـ ارائه مدرکی از علاقه خود به «دموکراسی و احترام بحقوق خلقها»

۲ ـ تسهیل ایجاد یك ائتلاف ارتجاعی در خلیج فارس، بنفع امپریالیسم و بر ضد دولتهای ترقیخواه عربی و نهضت ضد امپریالیستی این منطقه

۳ ـ ایجاد زمینه برای دست اندازی آتی سرمایه داری در حال رشد ایران به شیخ نشینهای خلیج و تبدیل آنها بمنطقه نفوذ سیاسی و اقتصادی و نظامی ایران

اما سیاست کشورهای امپریالیستی و در درجه اول انگلستان و آمریکا را چگونه باید تحلیل کرد؟ انگلستان در سال آینده نیروهای نظامی خود را از منطقه خلیج فارس خارج خواهد کرد. ولی منافع استعماری انگلستان وآمریکا و بالاتر ازهمه منافع نفتی انحصارات بزرگ نفتی آنها در این منطقه باقی خواهد بود. انحصارات نفتی امپریالیستی در منطقه خلیج فارس خواهان وجود یك محیط آرام و بی معارضند. آنها با هر تصمیمی دراین منطقه که راه تکامل مبارزه ضد امپریالیستی را سد کند و منافع عظیم نفتی آنها را محفوظ دارد موافقند و از آن پشتیبانی میکنند.

حل مسأله بحرین، بدینشکل منطبق با منافع آنهاست، زیرا بدین ترتیب مانع بزرگی که درراه ائتلاف ارتجاعی دو کشور بزرگ این منطقه، یعنی ایران و عربستان سعودی وجود داشت از میان برداشته شده است. اکنون باید در انتظار بود که برای ایجاد جبهه مشترکی مرکب از این دو کشور، کویت و شیخ نشین خلیج فارس که در صدد ایجاد فدراسیونی هستند، قدمهای جدیدی برداشته شود. تردید نیست که حل مسأله بحرین، یعنی از میان رفتن کامل تضادهای موجود میان دول این منطقه، با کشورهای امپریالیستی حامی آنها نیست. ولی بهر صورت، در شرائط کنونی، کوشش در جهت ایجاد یك ائتلاف ارتجاعی در سواحل خلیج فارس، بهترین وثیقه در راه تأمین منافع انحصارات نفتی است.

بلا فاصله بعد از اعلام تصمیم شورای امنیت سازمان ملل متحد، دولت ایران یك هیئت «حسن نیت» بریاست معاون وزیر امور خارجه به بحرین اعزام داشت. این مقدمه شناسائی رسمی بحرین بعنوان یك کشور مستقل و ایجاد روابط سیاسی با آن است. تردید نیست که در آینده نزدیکی، دیپلماسی ایران فعالیت خود را میان کشورهای سواحل خلیج تشدید خواهد کرد. این فعالیت که زیر شعار اخراج استعمار از خلیج فارس انجام می گیرد در آخرین تحلیل چیزی جز کوشش در حفظ منافع اساسی استعمار دراین ناحیه نیست. بهمین دلیل است که در گانهای محافل ما که انگلستان و امریکا، سیاست دولت ایران را با تمام قوا تأیید میکنند و توده های مردم این منطقه، به اقدامات رژیم ایران، با سوء ظن و تردید مینگرند، و آنرا بفال نیك نمی گیرند.

رامین

دیدار جهانی جوانان در لنینگراد
خرداد ـ ۱۳۴۹

بمناسبت صدمین سالگرد تولد لنین نمایندگان ۱۴۱ سازمان جوانان از ۹۶ کشور در لنینگراد، گهوارهٔ انقلاب اکتبر گرد آمدند. در جلسهٔ افتتاحی این دیدار که در تالار کنگره های مسکو تشکیل شد رفیق تیازلنیکف دبیر اول سازمان جوانان کمونیست شوروی دربارهٔ لنین و پرورش انقلابی جوانان شوروی صحبت کرد.

پرفسور ۹۴ ساله یترونف یکی از همرزمان لنین که از سال ۱۸۹۸ عضو حزب کمونیست شوروی است نیز در این جلسه سخنرانی نمود. دیدار جوانان درشهر لنینگراد بکار خود ادامه داد، در سمینار های این ملاقات، دانشمندان شوروی دربارهٔ فعالیت لنین و حزب بلشویك و لنینیسم در جهان معاصر صحبت کردند. در کنفرانس با شکوهی که با حضور بیش از ۴ هزار نفر تشکیل شده بود، نمایندگان جوانان جهان با مبارزان روز های انقلاب اکتبر آشنا شدند. یکی از انقلابیون که در حمله بکاخ زمستانی شرکت کرده بود در سخنرانی خود گفت، هنگام حمله بکاخ زمستانی باندازه ای قوی بودیم که مورای ما صدای گلوله های دشمن را خفه کرده بود.

در هفتهٔ دیدار، جوانان جهان یکبار دیگر مطمئن شدند که در وجود جوانان پیشاهنگ شوروی و سازمان آبدیده و مبارز آنها کمسومول لنینی بهترین دوستان خود را دارند که تحت رهبری حزب کمونیست شوروی وظایف ملی و انترناسیونالیسم خود را قهرمانانه انجام میدهند. در جهان امروز داشتن دوستانی چون کمسومولها افتخار بزرگی است.

در این دیدار سخنگوی جوانان توده ای ایران در بارهٔ لنین و استفاده از آموزش او در فعالیت سیاسی و سازمانی در شرایط کنونی ایران صحبت کرد.

در بارهٔ برخی مسائل مهم کشور

دنباله از صفحه ۲

برای سرمایه های خارجی و ورشکستگی عدهٔ کثیری از کسبه و پیشه وران شهر ها و بدتر شدن بار هم بیشتر زندگی اکثریت مردم زحمتکش کشور ماست.

گروه دیگری از سرمایه داران آلمان غربی برای تشکیل کنسرسیوم سرمایه گذاری جدیدی بسوی ایران در حرکت اند تا سهم خود را از غارت منابع اقتصادی و بازار های ایران دریافت دارند.

بدون تردید پدیده های جدید مزبور در اقتصاد ایران، نه تنها بحل معضلات اقتصادی موجود یاری نخواهد نمود، بمکس بیش از پیش بر وخامت آن خواهد افزود و وضع اقتصادی کشور را وخیمتر و بحرانی تر خواهد ساخت.

(متن این مقاله در روزهای ۸ و ۱۰ خرداد ۱۳۴۹ (۲۹ و ۳۱ ماه مه ۱۹۷۰) از رادیو یك ایران پخش شده است.)

بزهکاری از کجا سرچشمه میگیرد؟

موضوع «افزایش جرائم خردسالان و جوانان» بحثی را در مطبوعات ایران برانگیخته است. علل گسترش این پدیده اجتماعی چیست؟ چه عواملی سبب گرایش بسوی جنایت میگردد؟ در سال ۱۳۴۸ در مقایسه با سال ۱۳۴۷ جرائم جوانان بیش از چهل در صد افزایش یافته است. رئیس شهربانی کل کشور در گفتگو باخبر نگاران جراید مردم را از «یك خطر جدی برای جامعه ایران آگاه میسازد» و آنها را به مبارزه با «تبهکاران جوان» فرا میخواند. او خانواده ها را مسئول میداند. بنظر او «افزایش جرائم جوانان تنها بعلت عدم توجه خانواده ها به تربیت صحیح آنهاست.»

گروهی از «روانشناسان» و «مددکاران اجتماعی» نیز بدون توجه به ریشه های اصلی بزهکاری درجستجوی علل آن، آشفتگی های خانوادگی، ناهنجاری های محیط تربیتی نابینی، تزلزل بنیانی اخلاقی و انحطاط اصول و معتقدات عمومی را بمیان کشیده اند. آنها نیز مانند رئیس شهربانی بدون تعمق «خانواده های ناسالم را سرچشمه های بروز و گسترش بزهکاری خوانده اند».

تعداد کسانیکه با دید عمیق علمی باین پدیده ناهنجار اجتماعی نگریسته اند اندك است. دانش بورژوائی حقوقی بر این عقیده است که بعضی از افراد جانی بالفطره اند. سرشت آنها ناپاك است. شرور و بزهکارند و این خصیصه تحت تأثیر عواملی در آنها رشد یافته است. در چنین حالتی برای تنبیه آنان مقابله بمثل اعمال میشد. رفتار با آنها صورت قصاص داشت. در حالیکه در حقوق جزای تحول یافته امروز این نظر بکلی مطرود گردیده است. مردم ذاتاً منحرف نیستند و آنچه که آنها را بسوی ارتکاب جرم سوق میدهد یکسلسله عوامل اجتماعی، روانی و عاطفی است. جامعه شناسان بورژوازی در حالیکه بعلل اجتماعی ناسازگاری جوانان اعتراف میکنند کوشش میورزند وازه فقر عاطفی را در مقابل فقر اقتصادی قرار دهند. بنظر آنها پهنه زمین خالی از محبت گردیده است. انسان دوستی از کیش رخت بربسته و خشونت جایگزین آن شده است. بامیان کشیدن این نظر آنها از بکطرف موضوع افزایش روزافزون جنایات را در جوامع سرمایه داری توجیه میکنند و از طرف دیگر رکود مدنیی اقتصادی افراد را در این جوامع تبلیغ مینمایند.

بسیاری از روانکاوان این حقیقت را پذیرفته اند که عوامل برونی روی عوامل درونی تأثیر میگذارد ولی درباره اینکه عوامل درونی کمبودهای روانی و عاطفی خود از کجا سرچشمه میگیرند سکوت میکنند. نهادهای اجتماعی آشکار و نهان، نیاز های عاطفی اقتصادی و اجتماعی خاص جوانان بی توجهی جامعه به سرنوشت آنها و ناتوانی خانواده ها در بر آوردن عادی ترین خواستهای آنان انحرافات و تأثیرات محیط جرم را در پدید آوردن جرائم جوانان مؤثر است.

سر شماری سال ۱۳۴۵ جمعیت ۱۵ تا ۲۴ ساله ایران را ۱۹۷: ۳۰۸۱۱ نفر نشان می دهد. از این عده فقط ۳۴۱: ۱۰۰۷۷۰ نفر سواد خواندن و نوشتن دارند. در اینجا میبینیم که دو سوم جوانان ما از نعمت سواد محرومند. از این عده نزدیك به ۴ میلیون جوان کمی بیش از ۹۵۰۰۰ نفر گواهینامه شش ساله ابتدائی دارند. تعداد جوانان لبسانیه ۴۰۱۰۸ نفر و فوق لیسانس ۳۲۵ نفر است. از جمعیت ۷ تا ۱۴ ساله کشور که ۹۲۶: ۳۰۱۹۸ نفرند فقط ۴۹۴: ۹۴۰۰ نفر مشغول تحصیلند، یعنی دو سوم کودکان واجب التعلیم هنوز راهی بمدرسه ندارند.

(کیهان ۲۷ آذر ۱۳۴۸)

و اما محیط خانوادگی ایران چگونه است؟ آمار های موجود نشان میدهد، بیش از ۳۰ در صد خانواده ها بطور دائم با مسائل اقتصادی دست بگریبانند. هفده در صد زنا ـ شوئی هانوز از مردانی است که همسر دیگری در خانه نگاه دارند. هر سال بیش از یك سوم از زناشوئی ها بطلاق میانجامد. زن ایرانی هنوز جای شایسته خود را در خانواده و اجتماع نیافته است. او موجودیست محروم وستمکش. درچنین خانواده ای جوان ایرانی پرورش مییابد. یکی از استادان دانشگاه می نویسد: «گرفتاریهای فراوان زندگی اکثر خانواده های ایرانی را آنچنان بخود مشغول کرده است که دیگر نمیتوانند به موضوع تربیت فرزندان خود عمیقاً بیاندیشند. اگر جوانان ایرانی حتی در خانواده خود شخصیت خودشرا بسازد در برخورد با واقعیت های زندگی شخصیت او رنگ میسازد، نظام اجتماعی ایران برای گرگ کردن تا انسان ساختن استعداد بیشتر دارد».

در بررسی ارتکاب جرم بد آموزیهای وسائل ارتباط جمعی (سینما، رادیو، تلویزیون و مطبوعات) را نیز نباید از نظر دور داشت. وسائل ارتباط جمعی نقش ویران کننده ای در روحیه جوانان بازی میکند. اکثر فیلمهائی که در سینماهای ایران نمایش میدهند جنائی است. روی پرده تلویزیون ایران هر شب دهها نفر بقتل میرسند، میکشند، میدزدند، غارت میکنند، برنامه های رادیوی ایران فساد انگیز است. مطبوعات ایران نیز انباشته از اخبار و مطالب جنائی است. محیط ایران جرم زا است. فساد حاکم در کشور نمیتواند در روح حساس جوانان تأثیر نگذارد.

جامعهٔ ما با کشتی بی تاب کننده ای پیش میرود. در حالیکه مقاومت و سرکشی در مقابل مناسبات موجود، و ارزشهای حاکم در آن روز بروز فزونی میگیرد، جامعه ایران گام در کسر اهمیت سرمایه داری نهاده است. در این مرحله دشوار روح انصاف پذیر جوانان دستخوش دگرگونی های جدیست. آنها به توجه بیشتر، آموزش عمیق وامکانات فراوان تر برای ساختن شخصیت خود احتیاج دارند. در حالیکه رژیم ایران در گیر و دار زد و بند های خود هیچ روز سهم کمتری به آموزش و پرورش جوانان اختصاص میدهد.

هادی

دنباله از صفحه ۱

حزب توده ایران وارث معنوی حزب کمونیست ایرانست

با جنبش کارگری و کمونیستی جهانی و در مرکز آن حزب کمونیست اتحاد شوروی نام برد.

در هر سه دوران نقش سازمان انقلابی طبقه کارگر در تاریخ کشور ما و در تحول مترقی آن نقشی مؤثر و نیرومند بوده است. سوسیال دمکراتهای ایرانی در تکامل مثبت جنبش مشروطه و کامیابیهای آن نقش درجه اول داشته اند. کمونیستهای ایرانی در نهضت های وسیع پس از نخستین جنگ جهانی که منجر به تحولات مهم سیاسی و اقتصادی در ایران شد نقش فوق العاده مؤثر و فعالی بازی کرده‌اند. نقش جنبش توده ای در تحولات دهه های اخیر تاریخ و جامعهٔ ایران روشن است.

از آنچه که گفته شد چند نتیجه مهم میتوان گرفت:

۱ ـ تاریخ سازمان انقلابی طبقه کارگر در ایران تاریخی از لحاظ کیفی مستد و متصل است که بیش از شصت سال اخیر را در بر میگیرد و از این جهت یکی از کهن ترین و پر سنت ترین تاریخهای جنبش کارگری حتی در مقیاس جهانی است زیرا جریان سوسیال‌دمو کراسی انقلابی در کمتر کشوری سابقه دارد. در همین زمینه باید گفت که کشور ما یکی از پیشتازان ایجاد سازمان انقلابی طراز نوین طبقه کارگر در آسیاست و از هرباره حق دارد که باین سنت غنی و طولانی و پر افتخار انقلابی خویش ببالد.

۲ ـ سازمانهای گوناگون طبقهٔ کارگر ایران طی این مدت مشی همانندی را از جهت رادیکالیزم انقلابی در دفاع از استقلال و دمکراسی و سوسیالیزم ایفاء کرده اند و از جهت تاکتیك و شیوهٔ مبارزهٔ خود پیوسته سازش ناپذیر بوده‌اند و نوبه های فراوانی از مجاهدات درخشان انقلابی و فداکاریهای قهرمانانه پدید آورده‌اند؛

۳ ـ سازمانهای طبقه کارگر طی این مدت یکی از اهرمهای بسیار نیرومند تحول مثبت در جامعهٔ ایران بوده‌اند و تاریخ ایران بدون ذکر نقش آنها خالی از محتوی است.

بر پا داشت پنجاهمین حزب کمونیست ایران در صورتی سودمند است که توجهٔ رفقا و هواداران حزب ما را به این نکات جلب کند. آموزش تاریخ گذشته حزب در سه دوران آن اهمیت فوق العاده دارد. تجارب فراوانی از مثبت و منفی بدست آمده، فعالیت های سیاسی و فکری بسیاری انجام گرفته، مبارزات وسیعی باشکال مختلف (از مسلحانه تا مسالمت آمیز) وجود داشته است همه و همه باید بشکل جامع بررسی شود. این تجارب زنده جنبش انقلابی میهن ماست و درك قانونمندی آن برای کار روزمرهٔ انقلابی دارای اهمیت انکار ناپذیری است. در این زمینه، یعنی در زمینه بررسی تاریخ حزب طبقه کارگر در ایران و مطالعه تجارب غنی آن، با آنکه اقداماتی شده ولی هنوز کار وسیع لازم انجام نگرفته است. حزب ما برای تنظیم تاریخ حزب هم اکنون تصمیماتی دارد که در دست اجراء است. باید امر تنظیم تاریخ حزب با جدیت و پی گیری دنبال شود و بوظیفه آموزش تاریخ حزب و معرفی شخصیت ها و قهرمانان و خدمات و مبارزات و اسناد ومدارك وتصمیمات وتفکرات این تاریخ توجهی بمراتب بیشتر از پیش معطوف گردد. باید هر توده‌ای احساس کند که او وارث یك نبردطولانی و پر افتخار است و بر سنت مقدسی تکیه دارد و در راه مردان نام آوری چون حیدر، ارانی و روزبه گام بر میدارد و لذا وظیفه اجتماعی و اخلاقی اوست که خودرا شایسته حفظ آن ارثیهٔ گرانبهائی کند که سرایای نهضت بدست او سپرده است. هر گذشته‌ای دارای آینده نیست ولی ما آنچنان گذشته‌ای هستیم که آینده از آن ماست. ا. سپهر

کاریکاتور ایرانی از نشریه «پیکار» ارگان حزب کمونیست ایران در اروپا که در سالهای ۱۹۳۱ ـ ۱۹۳۳ (بعد از برلین و پس از توقیف و در جریان محاکمه ای که در نتیجه اعتراض رضا شاه انجام شد در برلین منتشر میشد

«ویتنامی کردن جنگ»

(که زمانی وجود چند هیتلر را برای ویتنام آرزو کرده بود) یك مجاهد جوان ویتنامی را (که علیه هیتلرهای ویتنامی می رزمد) در یك خمره آب بتدریج خفه میکنند. منظره موحش و رعشه آوری است که کاملا جریان «ویت‌نامی کردن جنگ»، شعار محبوب آقای ریچارد نیکسن را مجسم میکند. «ویت نامی کردن جنگ» یعنی‌ویت نامی باید ویت نامی را بسود امریکا بکشد، خفه کند، اسیر نماید نفارت کند. این قاعده دوزخی را امریکا در همه جا عملی میسازد. در برزیل هم مبارزه طلبانی بسود امریکا برزیلی شده است و ژنرالهای برزیلی حتی کودکان مجاهدان آزادی برزیل را با شوك الکتریکی شکنجه و فلج میکنند. در یونان هم این مبارزه بسود امریکا یونانی شده است. در ایران هم ایرانی است و شکنجه گران ایرانی ساواك بسود امریکا مبارزان ایرانی را در زیر شکنجه میکشند. «ویت نامی کردن» جنگ! فرمول جالبی است. این شعار حتماً ناشی از علاقه‌ایست که ریچارد نیکسون باستقلال خلقها وجهان دارد! خوب باین عکس نگاه کنید! حقیقت شومی را مجسم میکند.

خوب نگاه کنید، ببینید در این جنگل سر سبز استوائی چه میگذرد، چند سرباز ویتنامی از ارتش ژنرال کی